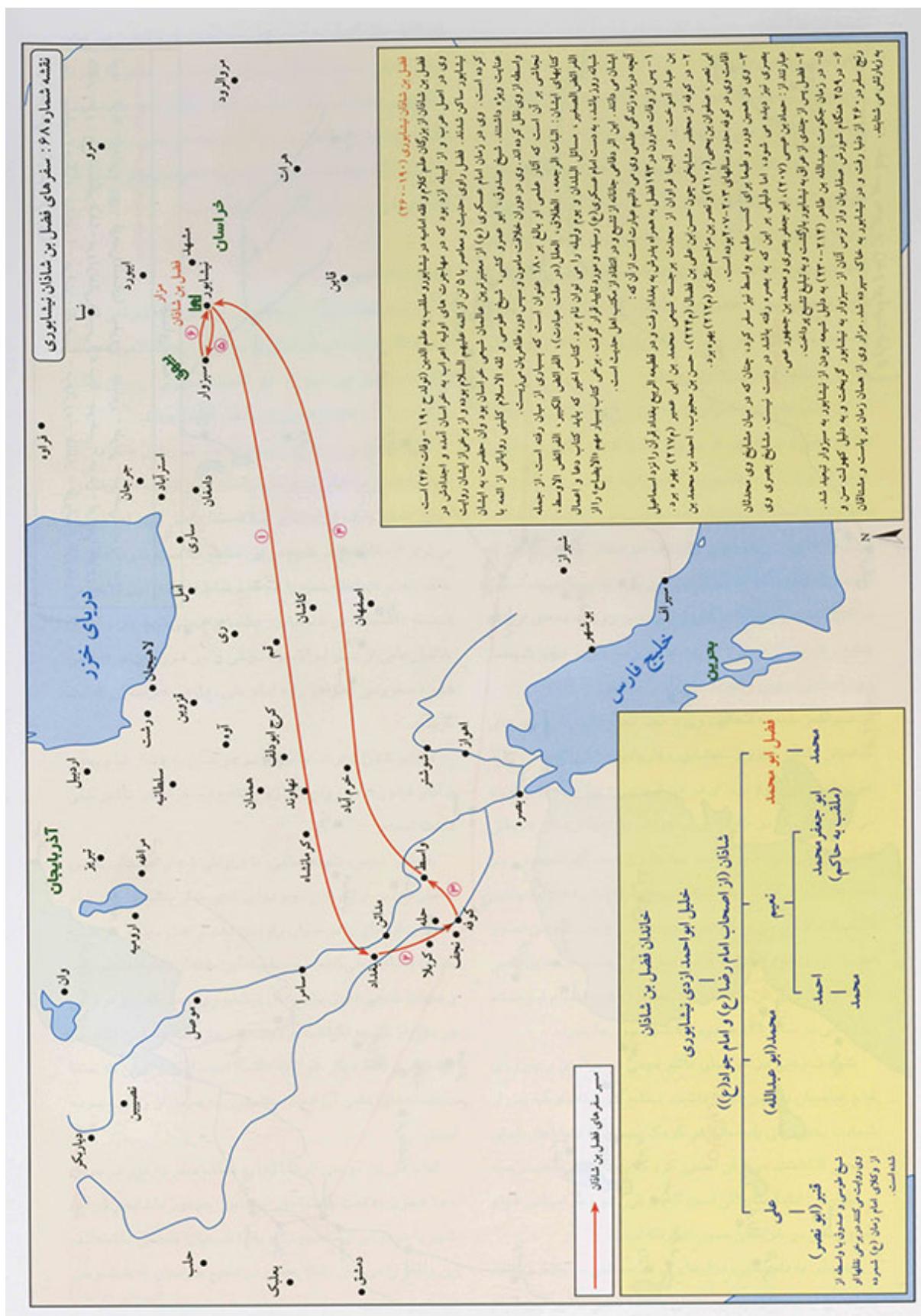


نقشه شماره ۶۸: سفرهای فضل بن شاذان



حضور وکلای امامان و ارتباط شیعیان نیشابور با امامان از زمان امام رضا (ع) تا غیبت صغیری و میزان وجوهات شرعیه که از طرف شیعیان نیشابور برای امامان ارسال می شد بیانگر وضعیت تشیع امامی در این شهر است. ابن شهر آشوب گزارش ارسال کاروانی از وجوهات شرعیه نیشابور به همراه جزو هفتاد صفحه ای پرسش های شرعی را در دوره امام صادق (ع) بیان می کند. این کاروان به سر پرستی محمد بن علی نیشابوری و به مبلغ سی هزار دینار و پنجاه هزار درهم و دو هزار قطعه لباس به مدینه ارسال شد. (مناقب ۲۹۱/۴) ما فهرستی از وکلای امامان را در نیشابور می شناسیم. راویان و محدثان امامی بسیاری در قرن چهارم هجری در نیشابور حضور حضور داشتند به گونه ای که بسیاری از آنان از مشايخ شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) بوده اند.

شیخ صدوق کتاب کمال الدین و تمام النعمه را در پاسخ به شباهات شیعیان نیشابور و ماوراء النهر به رشتہ تحریر در آورد. این امر نشان دهنده رونق حوزه درسی امامیه در نیشابور در قرن چهارم هجری است. سکونت سادات بسیاری که از نواحی طبرستان، ری، آبه، مدینه و قم به این شهر آمدند (متقله الطالیه: ۳۳۴) می تواند نشان دیگری در رشد تشیع در این مناطق باشد. ابو حسین محمد از علمای نیشابور موصوف به زاهد عالم و از آل زباره بود که ادعای خلافت کرد و به مدت ۴ ماه در نیشابور به نام وی خطبه خوانده می شد. به گفته ابن عنبه، ده هزار نفر با وی بیعت کردند. شماری از این سادات زیدی و شماری دیگر امامی مذهب بودند.

زمانی که در خراسان رساله ای از یک حنفی متعصب معتزلی انتشار یافت که طعنه ای بر شیعیان داشت، آنان رساله آن نویسنده را که از صاغان نیشابور بود برای شیخ مفید (م ۴۱۳) فرستادند تا به آنها پاسخ گوید و او المسائل الصاغانیه را نوشت.

با این همه، غالب ساکنان شهر سنی و از فرقه های مختلف بودند و بیشتر آنان دید مناسبی با شیعیان نداشتند. از اوائل قرن سوم به بعد طاهریان در این دیار حکومت می کردند، اما به هیچ روی نظر خوبی نسبت به شیعه نداشته و شاید بتوان گفت سنت ضد شیعی در این دیار را آنان پایه گذاری کردند. آنان با علویان طبرستان هم درگیر بودند. در این میان صفاریان (۲۵۳-۲۸۷) نیز علائق خارجی گری داشتند و شاید از این بابت که با اهل سنت دلدادگی نداشتند زمینه را برای رفع برخی از سخت گیری ها فراهم کردند. برخی مانند قاضی نورالله صفاریان را دارای تمایلات شیعی می داند که البته دشوار بتوان پذیرفت.

سامانیان تعصب مذهبی سنی گرایانه شگفتی داشتند و این از روی وابستگی شدید آنان به عباسیان بود. آنان نیازمند تأیید مشروعیت دولتشان از طرف عباسیان بودند و به اجبار در مذهب هم از آنان پیروی می کردند.

شگفت آن که همه این فشارها نتوانست در برابر یک اقلیت قدرتمند و مؤثر شیعی در نیشابور مزاحمت جدی ایجاد کند. به خصوص که نیشابور از طرف غرب و به ویژه سبزوار تقویت می گردید. ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی از علمای مشهور شیعه امامیه در قرن چهارم هجری است. وی تعلق خاطری به نیشابور و شیعیان آن داشت، دارای املاکی در این ناحیه بود و مدتی از عمر خود را در نیشابور سپری کرده در ۳۸۳ و یا ۳۹۳ در این شهر وفات یافت.

وکلای ائمه(ع) در نیشابور

فضل بن سنان نیشابوری وکیل امام رضا (ع) (رجال طوسی: ۳۸۵)

ابراهیم بن سلامه نیشابوری وکیل امام رضا (ع) در نیشابوری (رجال طوسی: ۳۶۹)

ایوب بن ناب وکیل امام عسکری (ع) برای جمع آوری حقوق مالی حضرت از عراق به نیشابور اعزام شد. (رجال طوسی: ۵۴۲-۵۴۳)

ابراهیم بن عبد نیشابوری امام عسکری (ع) طی نامه ای به عبدالله حمدویه بیهقی وی را به وکالت از طرف خود در منطقه نیشابور و نواحی اطراف تعیین کرد (رجال طوسی: ۵۰۹-۵۷۷)

اسحاق بن اسماعیل نیشابوری امام عسکری (ع) وی را موظف به انجام اموری فرمودند که در نامه ای ذکر شده بود از جمله همکاری با ابراهیم بن عبد و محمد بن موسی نیشابوری (رجال طوسی: ۵۷۵)

محمد بن موسی نیشابوری وی گاهوکیل سیار حضرت و حامل نامه ایشان به وکلا بوده و گاه مأمور انجام وظایفی با همکاری محمد بن عبد (رجال کشی: ۵۷۷)

بلالی (رجال کشی: ۵۷۹)

محمودی بلالی و محمودی مأموریت هایی از طرف حضرت در نیشابور داشته اند و مورد تأیید ایشان بوده اند. (رجال طوسی: ۵۷۹)

محمد بن شاذان بن نعیم شیخ صدوق وی را از وکلای ائمه در دوره امام عصر (ع) می داند. (کمال الدین صدوق: ۴۴۲)

نیشابوری

مهاجران علوی مشهور، به شهرها

(تا قرن پنجم بر اساس کتاب منتقلة الطالبية)

آذربایجان ۳ نفر سجستان ۳ نفر

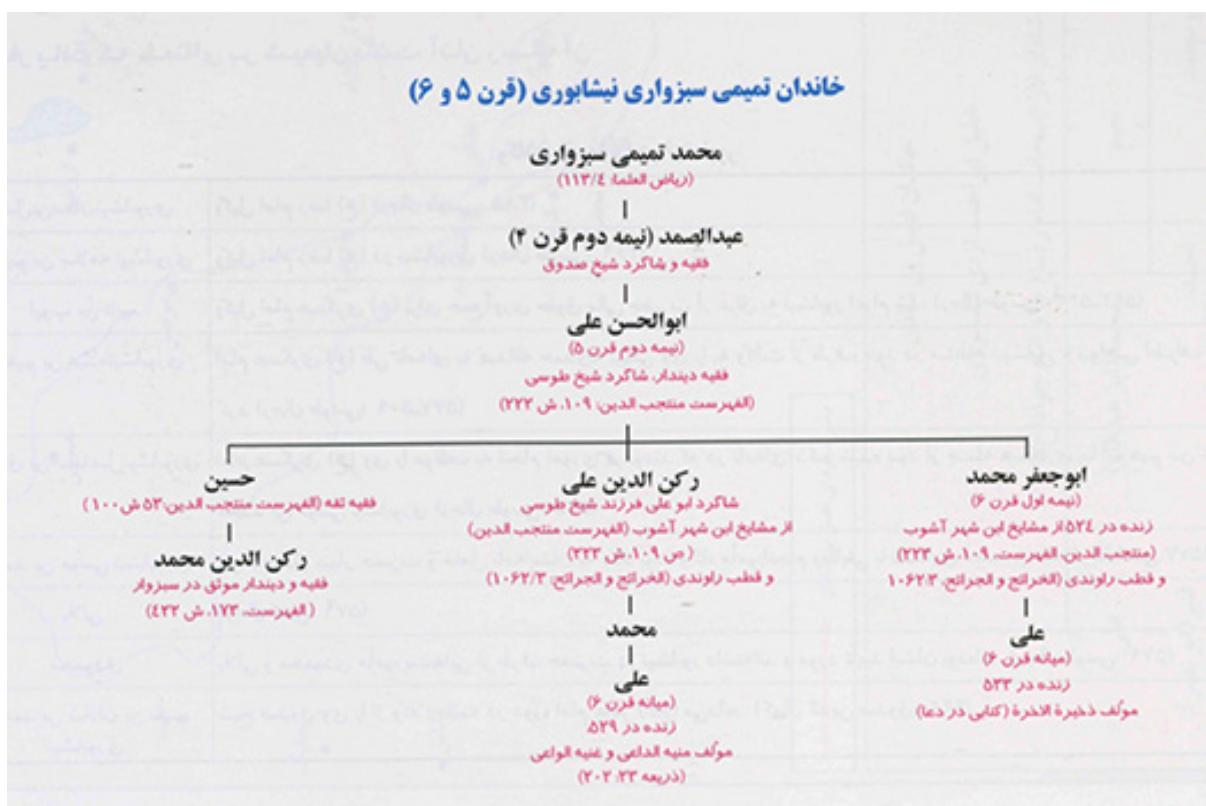
ابهر ۵ نفر سمرقند ۱۵ نفر
اردبیل ۲ نفر شیراز ۲۳ نفر
اهواز ۳۵ نفر چالوس ۱۴ نفر
ارجان ۸ نفر طبرستان ۷۶ نفر
اصفهان ۳۳ نفر طالقان ۲ نفر
بروجرد ۴ نفر طبس ۲ نفر
تستر ۲ نفر طوس ۶ نفر
جندی شاپور ۲ نفر فارس ۶ نفر
جیرفت ۲ نفر فسا ۵ نفر
گیلان ۴ نفر قزوین ۲۷ نفر
جرجان ۳۲ نفر قم ۲۳ نفر
خراسان ۱۵ نفر کازرون ۲ نفر
دیلم ۶ نفر کرمان ۷ نفر
رامهرمز ۳ نفر مرودشت ۸ نفر
راوند ۳ نفر نیشابور ۲۱ نفر
ری ۶۶ نفر رامین ۳ نفر
رویان ۲ نفر همدان ۱۱ نفر
سابور ۳ نفر یزد ۲ نفر
سیرجان ۲ نفر

خوارزمی با شیعیان نیشابور مکاتباتی داشت که به لحاظ ادبی در شمار آثار برگزیده ادب عربی در این قرن است. در این میان نامه های وی، نامه بلند او خطاب به شیعیان نیشابور، سندی مفصل در شرح مصیبت ها و گرفتاری های شیعیان است. مابخشایی از نامه را پیش از این آورده ایم. به طورکلی فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر قلمرو سامانی و سپس غزنوی در خراسان و به ویژه نیشابور به شدت بر ضد شیعه بوده است.

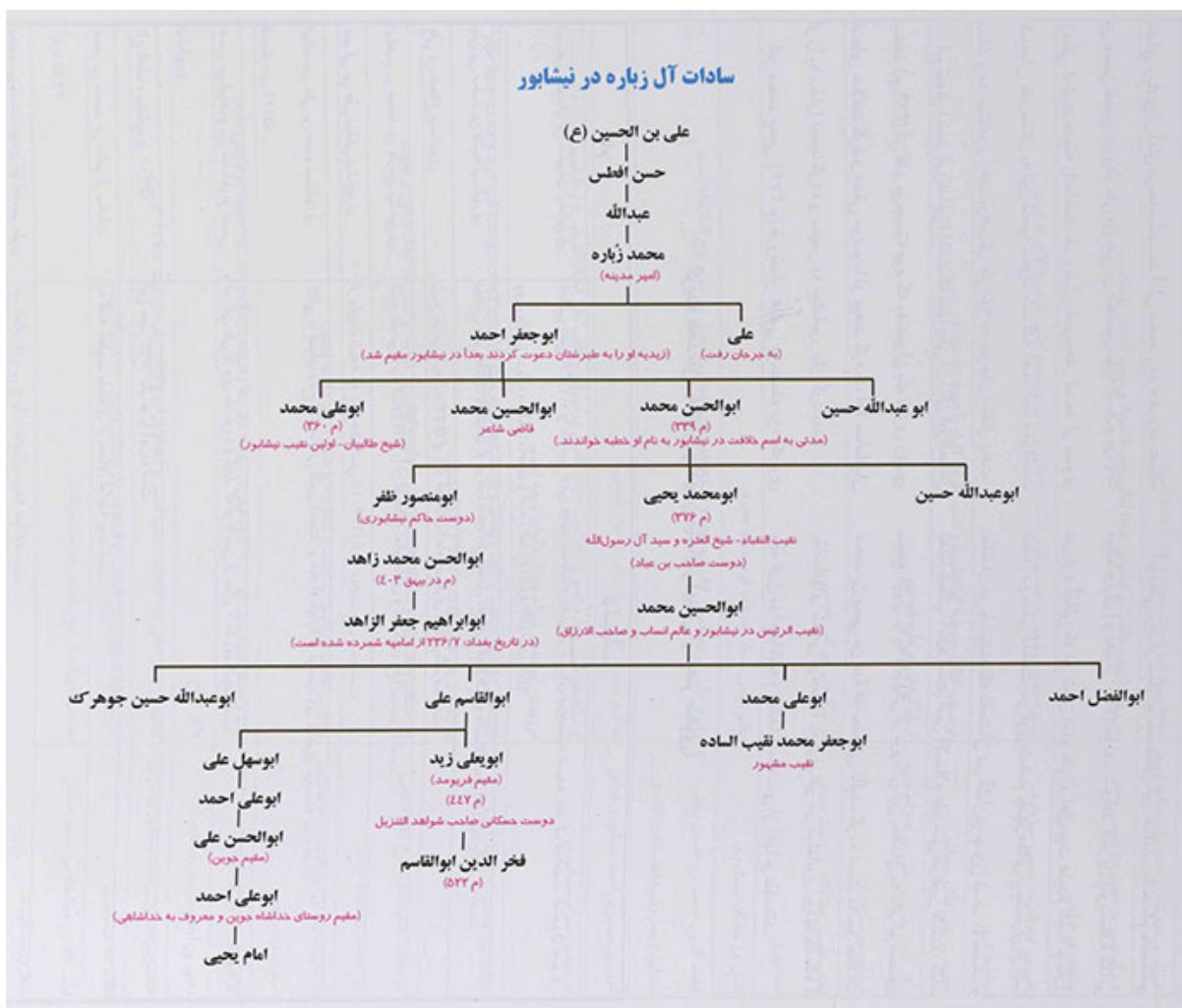
غزنویان خشن ترین سیاست مذهبی را درباره شیعیان اعمال کردند و به جرم قرمطی بودن هزاران تن را از دم تیغ گذارندند.

در آغاز حکومت غزنوی که کار بر شیعیان و معتزلیان سخت شد در نیشابور یکی از عالمان اهل سنت، مسجد شیعیان امامی را منهدم کرد (المتخب من سیاق تاریخ نیشابور: ۱۳). متهم کردن افراد به تشیع، حتی درباره افراد حکومتی نیز اعمال می شده است. به طوری که پس از خبطة کلیه اموال حسنک وزیر به نفع سلطان به جرم قرمطی بودن (جرمی که خودش منکر آن بود) او را در نیشابور به دار آویخته و سنگسار کردند. غزنویان متهم هستند که در این باره، بیش از دیگران، چشم طمع به اموال مردمان داشته و برای تصاحب آنها، اتهام قرمطی گری و شیعی را مطرح می کردند.

نمودار خاندان تمیمی سبزواری نیشابوری



نمودار خاندان شیعی زیارتی در نیشابور



خاندان زُباره و تشیع نیشابور خاندان های سادات، هر کجا استقرار یافتند، به انتشار تشیع کمک کردند؛ چنان که این امر در شرق و غرب عالم اسلامی اتفاق افتاد. کمترین تأثیر حضور آنان، رواج دوستی و محبت اهل بیت بود که خود مقدمه تشیع به حساب می آمد. یکی از این خاندان ها در نیشابور، آل زُباره است که شهرتی عالمگیر داشتند و علماء و امرا و نقای زیادی از آنان برخاستند. جد آنان محمد زباره فرزند عبدالله بن حسن افطس (فرزند علی بن علی بن الحسین علیه السلام بود) که زمانی امارت مدینه را داشت. فرزندش ابوجعفر احمد از سوی شیعیان طبرستان به این ناحیه دعوت شد که آمد، اما نتوانست بماند و به نیشابور رفت. برادرش علی نیز به جرجان انتقال یافت.

ابو جعفر احمد فرزندانی داشت که تنها یکی از آنان ابوالحسن محمد (م ۳۲۹) آن قدر برجسته بود که به عنوان یک علوی زیدی، ادعای خلافت کرد و مدتی مردم با او بیعت کردند، اما سامانیان او را به بخارا تبعید کرده و سپس به نیشابور باز گردانند.

ابو محمد یحیی (۳۷۶ م) فرزند او عالمی برجسته بود که وی را شیخ العترة و سید آل رسول الله می گفتند. گویا هموست که شیخ طوسی درباره اش نوشت: آثاری در امامت و مسح پا در وضو و کتابی در ردّ قیاس داشت (فهرست طوسی: ۱۷۹).

برخی از چهره های این خاندان مانند ابو منصور ظفر، دوست محدث و مورخ معروف حاکم نیشابوری بود و او در تاریخ نیشابور، اخباری از این خاندان به نقل وی آورده است.

ابویعلی زید از دیگر برجستگان این خاندان با حاکم حسکانی نیشابوری (م بعد از ۴۷۰) مؤلف شواهد التنزیل (نویسنده کتابی درباره آیاتی که در شأن امام علی و اهل بیت علیهم السلام نازل شده) دوستی داشت. در قرن ششم چهره های بیشتری از این خاندان درخشیدند که نامشان در آثاری چون لباب الانساب و عمدة الطالب آمده است. امین الاسلام طبرسی در قرن ششم، کتاب مجمع البيان را به نام یکی از بزرگان این خاندان به نام ابو منصور محمد بن یحیی بن هبة الله حسینی تألیف کرده است. به جز سادات، خاندانهای شیعی برجسته دیگری نیز در نیشابور بودند که گاه تا چند قرن دوام داشته و عالمان متعددی از آنها برخاستند.

گزیده محدثان، عالمان و ادبیان نیشابور (پیش از عصر صفوی)

نامتوضیحات

ابوسعید حمدان بن سلیمان نیشابوری نجاشی (ص ۱۳۸) او را با تعبیر «من وجوه اصحابنا» یعنی از علمای بر جسته شیعه یاد کرده است. صدوق هم از (التوحید: ۵۶) وی روایاتی درباره مجلس مأمون و امام رضا (ع) دارد

علی بن محمد بن قتبیه نیشابوری نجاشی (ص ۲۵۹) از کتاب او درباره «مجالس الفضل مع اهل الخلاف» و «مسائل اهل البلدان» یاد کرده است.

علی بن شجاع نیشابوری شیخ طوسی (رجال: ۴۳۳) او را از اصحاب امام عسکری (ع) برشمرده است. ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری شیخ طوسی (۴۱۰، ۴۲۸) او را از اصحاب امام هادی و عسکری (ع) برشمرده است.

عمرکی بن علی بوفکی نیشابوری از روایان شیعه که در رجال کشی (۱۳۸/۱) از او روایت نقل شده است.

ابوالحسن علی بن احمد نیشابوری کتابی با عنوان «تاج الاشعار فی النبي المختار و آلہ الاطھار» از اوست. وی شاعری بر جسته بوده است. فنجکردی (۵۱۳)

حسن بن ابراهیم بن عبدالعزیز تمیمی ابن ابی طی از وی یاد کرده و گوید که او تا پس از سال ۵۰۰ زنده بوده است.

نیشابوری

تاج العلماء نیشابوری (۳۴۰) ابن حجر شرح حال او را آورده است. جعفر بن محمد بن مظفر از سادات به گفته خطیب بغدادی از علمای امامیه بوده است. زیباره (۴۴۸)

محمد بن احمد مهدی ابو القاسم علوی عبدالغافر فارسی او را از داعیان شیعه خوانده است. شیعی نیشابوری

حسن بن ابراهیم نیشابوری ابن ابی طی در کتاب «طبقات الامامیه» از وی یاد کرده است. حسن بن یعقوب نیشابوری (۵۱۷) از وی به عنوان استاد نیشابور در دوران خودش یاد شده است. «کتاب الولایه» ابوسعید مسعود سجزی به خط وی نوشته شده است.

نامتوضیحات

زید بن حسن بن... موسی بن جعفر (ع) گفته شده است که وی با حشویان و اهل حدیث مخالف بوده است.

نیشابوری (۴۹۲-۴۹۱)

محمد بن احمد علوی نیشابوری (۴۶۵) در کتاب «السیاق من تاریخ نیشابور» از داعیان شیعی خوانده شده است.

محمد بن حماد موسوی (۵۵۸-۴۷۸) از شیعیان اهل مرو که به نیشابور آمد و در آنجا درگذشت.

حسن بن عبدالله بن احمدبازنیشابوری سمعانی به وی نسبت تشیع و غلو را داده است.

عبدالرحمن بن احمد بن حسین مفید در ری سکونت داشت و کتابهایی چون امالی، سفینة النجاة و عيون الاخبار را نوشت.

نیشابوری خزاعی

علی بن عبدالصمد تمیمی سبزواری نیای خاندان مشهور از علمای قرن ششم که یکی از آنان نویسنده کتاب «ذخیرة الآخرة» است

نیشابوری

محمد بن علی فتّال نیشابوری نویسنده کتاب «روضۃ الوعاظین» و تفسیر قرآن که او را شهید دانسته اند.

رکن الدین علی بن علی بن عبدالصمد از شاگردان ابو علی طوسی.

نیشابوری سبزواری

لطف الله بن عطاء الله بن احمد حسنه از شاگردان ابو علی طوسی.

نیشابوری

فضل بن شاذان نیشابوری عالم شیعی بسیار معروف قرن سوم هجری.

قطب الدین محمد بن حسین بیهقی وی تا اوایل قرن هفتم ۶۱۰ زنده بوده و نوشته مهم وی «حدائق الحقائق در شرح نهج البلاغه» است.

نیشابوری معروف به قطب الدین کیدری

احمد بن حسین بن احمد نیشابوری خزایی شاگرد سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی.

ابو منصور صرام نیشابوری از متكلمان قرن چهارم هجری که کتاب «بیان الدین دراصول» و کتاب «فی ابطال القياس» و «تفسیر قرآن» از اوست.

ابوالحسین محمد بن احمد زباره وی عالمی زیدی مذهب و زاهد و عالم و از مشایخ شیعی صدق است

که ادعای خلافت کرد و مدت چهار ماه مردم گرد وی جمع شدند و در ۳۳۹ درگذشت.

ابو محمد نقیب النقیا شیخ العترة یحیی وی متكلم و فقیه بود و کتابهای «المسح علی الرجالین» کتابی در توحید و کتابی در ابطال قیاس از اوست.

بن محمد بن احمد زباره

علاوه بر نقابت و ریاست سادات با علماء و ادباء حشر و نشر ابو علی محمد بن ابی الحسین محمد بن داشته است.

شیخ العترة زباره

ابراهیم بن حسین نیشابوری عالم و محقق ریاضیات (م ۱۰۱۲) مدفون در روضه مقدسه رضویه - رساله ای در نماز جمعه به فارسی دارد.

رضی بن احمد حسینی نیشابوری عالم صالح.

محسن بن حسین بن احمد نیشابوری خزانی کتابهایی چون امالی در احادیث، کتاب السیر و اعجاز قرآن و کتاب بیان من کنت مولاه از اوست.

لطف الله بن نیشابوری کتاب غایه المطلوب فی الواجب و المندوب از اوست. وی در ۸۱۰ درگذشت.

لطف الله بن عطاء الله بن احمد حسینی صاحب دیوان. از شیخ طوسی روایت می کند.

شجری نیشابوری

محمد بن احمد بن حسینی نیشابوری منتجب الدین چندین اثر برای او شمرده است: روضة الزهراء فی تفسیر تشییه علیّ بذی القرنین، مُنی الطالب فی ایمان ابی مناقب فاطمه الزهراء (س)، الفرق بین المقامین، و طالب، المولی و کتاب لابد من معرفته.

سید ابو المعالی اسماعیل بن حسن بن کتاب انساب الطالبیه و زهرة الحکایات از اوست (فهرست منتجب (الدین)

محمد حسینی نقیب نیشابور

ابوسعید نیشابوری شیخ عبدالجلیل رازی وی را از مفاخر علماء شیعه شمرده است.